



حکمت و معنویت از هم جدا نیستند/ حکمت، صرف آگاهی نیست

آیت الله رضائی، استاد حوزه علمیه قم با بیان اینکه نمی توان حکمت و معنویت را از همدیگر منفصل فرض کرد، گفت: حکمت صرف آگاهی نیست، بلکه آگاهی از حقایق اشیاء و عمل کردن به اقتضای آن آگاهی است.

آیت الله رضائی، استاد حوزه علمیه قم با بیان اینکه نمی توان حکمت و معنویت را از همدیگر منفصل فرض کرد، گفت: حکمت صرف آگاهی نیست، بلکه آگاهی از حقایق اشیاء و عمل کردن به اقتضای آن آگاهی است.

به گزارش خبرنگار مهر، همایش یک روزه «حکمت و معنویت» به همت مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و به مناسبت روز جهانی فلسفه ظهر روز گذشته، دوشنبه ۲۵ آبان ماه در محل این موسسه با حضور اساتید، بزرگان و چهره های ماندگار فلسفه برگزار شد.

پنجمین سخنران این همایش، آیت الله حسن رضائی بود که درباره موضوع «حکمت و معنویت» سخنرانی کرد. وی گفت: صحبت کردن درباره معنویت و حکمت برای من سخت است چون خوف آن را دارم، حرفی بزنم که نتوانم به آن عمل کنم. حکیم باید از حکمت و اهل معنا از معنویت سخن بگوید.

این استاد علوم عقلی و عرفانی حوزه علمیه قم افزود: شاید معنی حکمت به معانی علم، معرفت و خبرویت نزدیک باشد اما اینطور نیست و هرکدام اینها معنی خاص خود را دارند. علم، مطلق آگاهی است، همان چیزی که در زبان فارسی آن را دانستن می نامیم بنابراین ما از علم تحت عناوین متفاوتی می توانیم یاد کنیم اما معرفت، اینگونه نیست. در معرفت عالم بالله یک معنا و عارف بالله یک معنای دیگر دارد.

رضائی ادامه داد: حکمت صرف آگاهی نیست، بلکه آگاهی از حقایق اشیاء و عمل کردن به اقتضای آن آگاهی است. ملاصدرا در جلد سوم اسفار گفته است: حکمت صرف آگاهی قابل توجه نیست و پیش از آن فرد باید به حقایق آگاه و براساس این آگاهی ملتزم باشد. چنین فردی را حکیم می نامند. بنابراین اگر شخص به حقایق اطلاعات پیدا کرد و ملتزم شد حکیم است. قلب انسان حکیم لایروبی و تنقیه شده است.

شاگرد علامه حسن زاد آملی در ادامه به صحبت درباره معنا و معنویت پرداخت و اضافه کرد: معنا گاهی در برابر لفظ و گاهی در برابر صورت است، اما به طور کلی معنا یعنی اصل و باطن، یعنی آنی که از اول و بالذات مورد توجه است و بقیه هم به خاطر آن است که هستند. با این حساب، معنوی یعنی منسوب به معنا و معنویت هم مصدر جعلی آن است.

این استاد عرفان با تاکید بر اینکه نمی توان حکمت و معنویت را از هم جدا دانست، گفت: ارتباط بین معنویت و حکمت اینگونه قابل بیان است که شخص با توجه به حکمت و آشنایی به حقایق و التزام به این آشنایی تمام مرزها و حدود ظاهری را پشت سر می گذارد و به اصل هدف می رسد و به باطن دست می یابد و این یعنی ارتباط بین حکمت و معنویت. به همین دلیل نمی توان حکمت و معنویت را از همدیگر منفصل فرض کرد.

رضائی گفت: اگر قرار باشد که درس فلسفه ما به یکسری اصطلاحات خاص خلاصه شود که خب پس فرق ما با بقیه چیست؟ اگر فرق در به کاربردن اصطلاحات باشد هر قشری یکسری اصطلاحات خاص دارد که برای قشر دیگری غیرقابل فهم است مهم این است که دل ما چقدر پذیرای فیض و نور شده باشد به بیان دیگر این مهم است که چقدر فاصله میان ما و خدا برداشته شود. به قول ابوسعید ابوالخیر:

در رفع حجب کوش نه در جمع کتب کز جمع کتب نمی شود رفع حجب

وی در پایان اضافه کرد: باید مرزها، حجاب و حدودها برداشته شود تا انسان احساس نزدیکی با ملکوت بکند. اگر فردی اینگونه باشد حکیم معنوی است. اصل اسلام هم یعنی راستی و درستی. فلسفه و حکمت را باید گونه ای یادگرفت که بماند و جاودانی باشد و دنیا و آخرت را آبان کند.